

پیش روی ما **سسه** در مقابل ما ، روبروی ما

درنگ **سسه** مکت ، توقف

اندیشیدن **سسه** فکر کردن

فلک **سسه** آسمان

درس اول

تماشاخانه



جهانی که در آن زندگی می کنیم ، سرشار از شگفتی ها است . پدیده های لطیف ، زیبا و عجیب ،
پیش روی ما هستند که به سادگی از کنارشان می گذریم ؛ در حالی که اگر اندکی درنگ کنیم ،
می بینیم که هر کدام از این پدیده ها تماشاکی برای دیدن زیبایی های آفرینش و ایستگاه های

برای اندیشیدن هستند .

اکرمی خواهیم عالم را بهتر بشناسیم، یک راه ساده آن است که پدیده‌ها را خوب تماشا کنیم،
درباره‌ی آفرینش هر یک بیندیشیم و آنها را با یکدیگر مقایسه کنیم؛ مثلاً کوه‌های سر به فلک کشیده را

کوه‌های سر به فلک کشیده (کوه‌های بلند) \neq دره‌های عمیق (دره‌های بود)

آرایه‌ی تضاد

عمیق سه گود

تأمل سه اندیشیدن ، فکر کردن

آرایه ی تضاد آرایه ی تضاد

بادرّه های عمیق، گل را با خار، زنبور عسل را با خرگس، بهار را با زمستان و....

مطالعه در طبیعت و تأمل درباره ی چیزهایی که هر روز می بینیم و از کنارشان می گذریم، راه

مناسبی برای شناخت آنها است. پرسش از هر چیز و جست و جو برای یافتن پاسخ، کاری

است که همی دانشمندان و عالمان انجام می دهند. من و شما هم، باید این ویژگی را در خود

پرورش دهیم . پرورش سه به نیلی رشد کردن و بزرگ شدن

ما برخی از رفتارها، کردارها و کارهای خودمان را از روی عادت انجام می‌دهیم؛ به همین دلیل هم از خود نمی‌پرسیم که چرا این‌گونه است، چرا باید این کارها را بکنیم؟ و بسیار پرسش‌های دیگر.

همین آب گوارایی که زندگی ما به آن وابسته است، بهترین موضوع برای فکر کردن و یکی از شگفتی‌ها است.

آب چیست؟ چگونه به وجود آمده است؟ اگر روزی آب در روی زمین نباشد، آیا

انسان می‌تواند آن را پدید آورد؟

سنگلاخ ~~سه~~ جایی پراز سنگ
نگاشته، می نگارد ~~سه~~ ترسیم می کند، می کشد
تالاب ~~سه~~ ^{آبگیر}

به هر حال، عالم تماشاخانه‌ی شگفتی‌های آفرینش است؛ یعنی به هر طرف که نگاه می‌کنیم،
آفریده‌های زیبای خداوند را می‌بینیم. این جهان، دفتری است که خدای مهربان، به پاکی و
زیبایی در آن نگاشته و می‌نگارد.

یکی دیگر از این آفریده‌های زیبا و لطیف، گیاهان و سبزه‌ها هستند. علف‌های سبز را
دیده‌اید؟ خیلی نرم و شکننده هستند. در سرمای سخت یا گرمای زیاد، پژمرده می‌شوند ولی گاهی
می‌بینیم همین علف‌های نازک و لطیف، از میان سنگلاخ سردر می‌آورند یا کف زمین سخت
و محکم را می‌شکافند و بیرون می‌آیند.

می تند می بافند

نگاه کن... و به صداهای کوتاه و بلند، گوش بده، تا آفریده‌های ساکت خدا را بشناسی.
آریه جان بخشی
بادها سفر می‌کنند. علف‌ها رشد می‌کنند. عنکبوت‌ها، بین زمین و آسمان، تار می‌تند.

آیا تو صدای تاریکی شب را می‌شنوی؟ صدای روشنایی روز را چگونه؟ صدای شب‌نم
کندیه از اینکه بدون خبر به مکانی وارد شویم
صبحگاهی را، هنگامی که سرزده به خانه‌ی برگ، وارد می‌شود؟

به هر طرف نگاه کن... و گوش بده.

آفریده‌های ساکت خدا همیشه آنجا هستند.

آیا تو آنها را می‌بینی و صدایشان را می‌شنوی؟»

آفریده‌های ساکت خدا،

نانسی سویتلند، ترجمه‌ی حسین سیدی، با اندکی کاهش و تغییر

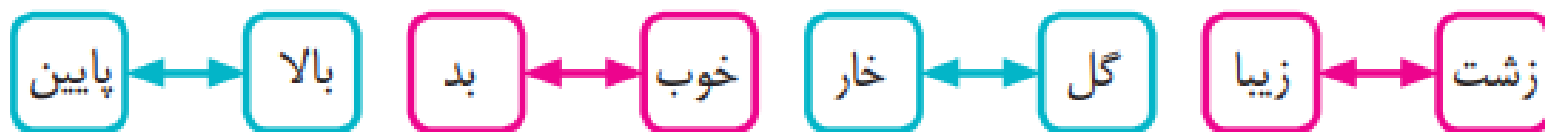


- ۱ دیدن شگفتی‌های عالم و تأمل درباره‌ی آنها راه مناسبی برای شناخت است. ✓
- ۲ سبزه‌ها و علف‌ها به اندازه‌ی نرم و شکننده هستند که می‌توانند از میان سنگلاخ سر در بیاورند. ✗
- ۳ تاریکی شب، روشنایی روز و شب‌نم صبحگاهی همه از آفریده‌های ساکت خدا هستند. ✓





به واژه‌های زیر و رابطه‌های آنها با یکدیگر، توجه کنید.



با دقت به خوب و بدِ حرف‌های دوستم، گوش می‌کردم.

ما می‌توانیم گل را با خار مقایسه کنیم.

سنجاقک، بالا و پایین می‌پرید.

از معنی واژه‌ها، می‌فهمیم که این کلمات، مفهوم مخالف هم یا ضد هم را بیان می‌کنند. این گونه واژه‌ها را «مخالف یا متضاد» می‌نامیم.

اکنون با توجه به آموخته‌های بالا، نمونه‌های زیر را کامل کنید.

